



برای تربیت بدنی در جمهوری اسلامی لاقلاً
چهار پنج‌نقش فائل هستیم. نخست یادآور می‌شویم
که در اسلام هیچ عملی راسری و بی‌حساب
نمی‌دانیم، حتی در رابطه با غذا خوردنمان،
آمد و شدمان و...

پیغمبر اکرم (ص) فرمود: باید درباره هر
مسأله‌ای برای شمانیتی، هدفی و مقصدی باشد.
براین اساس ورزش هم که ساعاتی از عمر کودکان
مارا بخود اختصاص میدهد نمیتواند امری
بی‌هدف و بی‌مقصد باشد.

یکی از هدفهای ورزش مربوط به جنبه فردی
انسان است. این اهداف شامل سه چهارقسمت
است:

در اسلام ما بدن را مقدس می‌دانیم چه زنده و چه مرد ما ش. میدانیم سیلی زدن به یک بدن زنده موجب دیه و عقوبت است و کبفر به بار می‌آورد. همین عقوبت و کبفر در مورد بدن مرده هم مطرح است. در اسلام بخاطر تقدس بدن است که شکل بعضی از عبادات عوض و یا آن عبادت لغو میشود. مثلاً " وضو و غسل لازم است تا بتوانیم نماز بخوانیم ولی بهنگامی که این وضو یا غسل برای بدن زیانبخش باشد اسلام اجازه آن را نمی‌دهد، از ما می‌خواهد که شکل آن را تغییر بدهیم - مثلاً تیمم کنیم .

روزه برای ما امری واجب است ولی در آن هنگام که این روزه برای ما خطر ایجاد کند و جهت بدن ما خطر بیافریند، اسلام نه تنها آن روزه گرفتن را حلال ندانسته و برای آن پاداشی قائل نیست بلکه آن را امری حرام میدانند .

بر این اساس اهداف ورزش تامین سلامت تن و رشد و تقویت بدن است و از همین جا باید یادآور شویم که هر عملی بعنوان ورزش اگر موجب نقض غرض باشد و سلامت بدن را بخطر اندازد تحریم شده است. شما برای بدن سازی گاهی ورزشهای سنگین دارید این ورزشها اگر چه ممکن است برای بدن سلامت و خیر بیافریند ولی بهمان میزان که موجب وارد آمدن صدمه‌ای به بدن میشود و یا سبب تصلب شرائین برای سنین بعدی میگردد ورزشی است حرام و ممنوع. این بوکس بازی‌ها که سبب وارد آمدن صدمه‌ای بر دیگران می‌شود مثلاً " بینی طرف مقابل شکسته میشود، استخوان کنفش در می‌رود بدن طرف مقابل را مجروح و یا فرسوده میکند ،

اگر چه در ضمن آن برای طرفین ورزشی هم می‌آفریند، ولی در کل حرام است و ممنوع. بازیهای چون کشتی کج که گاهی نمونه آن را در برنامه های تلویزیونی هم میبینیم و در آن صدمه هایی به طرفین وارد میشود مشروعیت ندارند. کاراته بازی‌ها و ... هم از این قبیل است و مادر اسلام چنین چیزهایی نداریم .

سلامت و رشد بدن برای ما یک اصل است. ما بدنبال دست یابی به شرایط و ضوابطی هستیم که بدن را بر اساس آن پیروانیم و نیرومند گردانیم. روایاتی که در اسلام در رابطه با ظهور حضرت ولی عصر (عج) وجود دارد بخشی از آن در باره صفات و ویژگیهای یاران آن حضرت است. روایاتی در این زمینه داریم که میگویند از پیروان و کمک کاران حضرت کسانی هستند که بدنشان ورزیده است و توانائی آن را دارند که یک تنه در مقابل چهل نفر مقاومت کنند. بدین سان یکی از اهداف در زمینه ورزش رشد و پرورش تن است در این راه باید از هر وسیله مشروعی سود جست. در این امر زن و مرد یکسانند هر دو باید بدن خود را پیروانند. زن هم باید از سلامت و رشد بدنی برخوردار باشد. هم در رابطه با سلامت وجودی خود و هم در رابطه با مقابله با دشمن .

میدانید ما در اسلام دو گونه مقابله با دو نوع دشمن داریم. یکی مقابله آزادیبخشی که در آن حرکت میکنیم بسوی قومی و جمعی که فساد میکنند و برای انسانها شر می‌آفرینند و یا برای جامعه اسلامی مزاحمت ایجاد میکنند اینجا جای جنگ مقدس یا جهاد است جنگ آزادیبخش است. شرکت در این جنگ برای زنان واجب نیست. (البته این امر بدان





معنی نیست که اگر زن بعنوان کمک در این امر مشارکتی داشت کار حرام کرده است .

نوع دیگر مساله دفاع و یا جهاد تدافعی است در آن هنگام که دشمن بر جامعه اسلامی حمله و سرریز کند و دین و حیثیت و شرف یک مسلمان یا جامعه اسلامی را بخطر بیندازد بر همه مسلمانان واجب است که جلوی آن را بگیرند و دفع خطر و یا از خود و شرف و حیثیت خود

در اسلام بهنگامی که بحث از حقوق کودکان بمیان می آید می بینیم بعدی از آن مربوط میشود به مساله سواری و تیر اندازی و شتای کودکان و در این مساله پسر و دختر مطرح نشده و ذکری بمیان نیامده است که پسر باید این فنون را یاد بگیرد و بر دختر حرام است . مساله تحت عنوان حق الولد است یعنی حق فرزند . در جنبه فردی ورزش بعد دیگر مربوط به جنبه روانی قضیه است— ورزش باید این زمینه را برای



دفاع کنند . در این دفاع مساله زن و مرد پیرو جوان مطرح نیست . پسر و دختر ، مرد و زن ، قوی و ضعیف باید با جنگ و دندان از خود دفاع نمایند . بهنگامی که این دفاع امری واجب باشد طبعاً "مقدماتش هم واجب میشود میدانید که مقدمه امکان این دفاع سلامت بدن، رشد تن و یافتن مهارتهائی در این زمینه است و از اینجا حتی میتوان مساله ورزش و ریاضت بدن را امری واجب ذکر کرد و مساله آموزشهای بسیجی در اسلام بر همین اساس ضرورت پیدا میکند .

زن و مرد فراهم کنند که ترسها ، نارسائیهها ، سهل-انگاریها ، تن پروری ها و کلیه اموری که سبب عقب ماندگی انسان میشود از میان برود و حال توازن اجتماعی را به او برگردانند . در بعد عاطفه و اخلاق هم مساله تہذب ، حسن برخورد و نیکی در سلوک و رفتار ، آموزش راه و رسم معاشرت ، حفظ و رعایت انضباط و حقوق یکدیگر مطرح است . از طریق ورزش میتوان عواطف را در بین افراد رشد داد و زمینه را برای دوست داشتنها و دشمن داشتن فراهم

ساخت .

طریق ورزش قابل پیاده و اجرا شدن است . یکی رئیس گروه میشود دیگران باید از او تبعیت کنند . ضوابط و مقررات را همگان باید رعایت کنند . مثلاً یکی به توپ ضربه میزند ولی بی حساب ، باید اشتباهش جبران شود ، اما در آن نقطه؟ نه بلکه درجائی که برایش معین کرده اند .

مادر ورزش مساله تحزب که از مسائل مهم سیاسی است داریم .

مثلاً " در بازی فوتبال دو حزب و دو گروه داریم . هر کدام مرکب از یازده نفر که در برابر هم می ایستند ، هریک از افراد همانند یک مهره هستند که درکل تشکلی یدیدمی آورند . همچنین در ورزش مساله سازماندهی مطرح است که خود دارای بعد سیاسی است . و بالاخره همه آنچه را که در بعد سیاسی به آنها برمیخوریم از طریق ورزش قابل انتقال است و قابل عمل .

هدف چهارمی را که در ورزش میتوان تعقیب کرد هدف فرهنگی است .

و در آن دادن آگاهیهای لازم در زمینههای مختلف مطرح است و سخن از هنری است که در سایه آن فردی بر فردی دیگر فائق می آید . مثلاً در کشتی تنها مسئله روز مطرح نیست ، لطافت و ریزه کاریهایی وجود دارد که باعث غلبه فردی بر فردی دیگر میشود .

هدف پنجمی که در ورزش مطرح است هدف اقتصادی است .

میدانیم در اسلام برد و باخت حرام است

در جنبه اجتماعی نخست ذکر این نکته ضروری است که انسان چه بحکم فطرت و چه بحکم تربیت ، فردی اجتماعی است . توضیح اینکه دو نظر در جنبه اجتماعی بودن انسان وجود دارد یکی نظری که آدمی را ذاتاً " فطرتاً " اجتماعی میدانند و دیگری نظری که میگوید انسان فطرتاً " اجتماعی نیست . اجتماعی شدنش امری اکتسابی است . چون در اجتماع بدنیا می آید و زندگی میکند خوی اجتماعی رامی گیرد (این نظر دوم از آن روانشناسان اجتماعی است .) حال چهاین نظر را بپذیریم وجه آن نظر را این مسئله قطعاً است که بشو " فطرتاً " اجتماعی است . در اجتماع و در بین مردم زندگی میکند . اجتماع نیاز به یک سری ضوابط و قواعد و همسانی با افراد دارد . (البته همسانی در اندیشیدن و زندگی اندیشیده)

بدین سان هدف دومی را که ورزش در جمهوری اسلامی مامیتواند تعقیب کند هدف اجتماعی است . هدفی که بعد اجتماعی حیات را تنظیم کند . پس ما بدنیاال آن جنبه از ورزش میرویم که جنبه روابط ما را با اجتماع ، رابطه بزرگ با کوچک ، قوی را با ضعیف معین میکند .

سومین هدفی را که در این زمینه تعقیب میکنیم هدف سیاسی است .

و منظور ما از سیاست در جنبه عملی بررسی روابط متقابل هیئت زمامدار با مردم است و در این راه ضوابطی وجود دارد که روابط را کنترل و سلامت آن را تضمین میکند مثل مساله انضباط و قانون ، روابط فرمانده با فرمانبر .

همانگونه که می بینید همه این مسائل از

جز درسه مورد که اسلام آن را مجاز دانسته است: درسواری، درتیراندازی، درشناکه این هرسه به ورزش مربوط میشود.

اما اینکه نقش زنان در این زمینه چه میتواند باشد پاسخ روشن است. ما از نظر علمی و اسلامی مساله تفاوتها را پذیرفته‌ایم مسائلی در حیات مطرح است که انجام آن متناسب زمینه‌های غریزی و فطری در افراد متفاوت میشود مثلا در رابطه با زنان مساله بیک گونه است و در رابطه با مردان مساله بگونه دیگر.

در مسائلی مربوط به ورزش این تفاوتها باید مورد نظر باشند. مثلا "در ورزش باستانی شاید مرد بتواند به شنا رفتن اقدام کند و موفقیتی داشته باشد اما برای زن بخصوص در مراحل از حیات زنانه (دوران حاملگی) این امکان نخواهد بود. یا در مسابقات و سبقت جوئی‌ها، ما میگوئیم زنها در آن شرکت نکنند نه به این معنی است که اگر شرکت کردند برنده نخواهند شد، نه ممکن است که اتفاقا " برنده هم بشوند ولی این بعد قضیه را هم باید در نظر گرفت که گاهی ممکن است او پیروز نشود و شکستی عاطفی بر زن وارد شود. و اسلام نمی‌خواهد برای زنی که الان مادر است و یا بعدا " مادر خواهد شد چنین شکستی وارد آید. این شکست برای مرد چندان مساله‌ای نیست از آن بابت که او مسئول شخص خویش است و لیس آن زن مسئول شخص خود و کودکی است که در رحم دارد.

بر این اساس تفاوت‌هایی در این زمینه در رابطه با نقش و ورزش برای زنان و مردان باید مورد نظر باشد و مسئولان امور این جنبه‌ها را باید مورد توجه قرار دهند.

اما اینکه چه شد علمای ما تا حال در این مورد بحث نکردند؟ اولاً" باید گفت در

مواردی بسیار اظهار نظرهای پراکنده‌ای وجود دارد. ثانياً" این مسائل در گذشته در جامعه ما مطرح نبوده است. ورزش در کشور ما البته به صورت فعلی آن از طریق تعلیم و تربیت جدید موجودیت پیدا کرده و این نوع تربیت

تالی و مطالبات
علوم ان

همیشه در نزد باکان و بزرگان و علمای ما بخاطر عوارض و عواقب وخیم آن منفور و مطرود بوده است . وگرنه این بحثها و اظهار نظرهایی را که مطرح کردم از اسلام است و اسلام اختراعی جدید نیست .

در کتب فقهی و اخلاقی بحثهای مبسوطی در زمینه جسم و جان و روان و عاطفه و ... مطرح است . مثلاً کتاب کافی که یک کتاب اسلامی و منبع است بیش از هزار سال قبل نوشته شده و در آنجا مسائلی در زمینه بدن و وظائف ما در رابطه با آن وجود دارد. یا امام سجاد (ع) کتابی دارد بنام رساله حقوق امام سجاد که محتوای آن مربوط به قرن اول هجری است و الاان قرن پانزدهم هجری است بیش از ۱۴۰۰ سال قبل در آن بحثی شده است راجع به وظایف ما در جنبه تن ، روان، روابط اجتماعی، اخلاق و ... ولی کسی به این مسائل به صورت امروزی آن توجه نکرده است .

مادر قسمتهائی از کتب اسلامی مان بحثی

داریم تحت عنوان الریاضة البدنیة که در حقیقت همان ورزش است . که با توجه به ضوابط اعلام شده میتوان آن را در جامعه رواج داد .

اما در رابطه با ورزشهای سنگین بگونهای که امروز در دنیا مطرح است ، ما آن را نوعی توحش میدانیم و نقض غرض و طبعاً آن را احرام بحساب می آوریم . در اسلام ورزش بمیزانی مورد قبول است که مایه رشد و سلامت شادابی و نشاط بدن را تامین کند اما اینکه دونهفر تحت عنوان ورزش بجان هم بیفتند ، یکی با مشت بینی دیگری رایشکند و آن دیگری دستش بعنوان قهرمان پیروز بلند شود ، یا یکی دیگری را چنان بزند که او بیفتد و غش کند وزیر بازوی آن دیگری را بگیرند که احسنت دستت درد نکند توقهرمان شدی ، در اسلام نیست و این عملکردها موجب دیه است و کسی که امر به این کار داده مسئول است و باید تعزیر شود .



میطحی بوخود آورید که اطفال مارا شیر سچکانی که همیشه پشت جبهه مقاومت علیه
آمریکا و صهیونیسم و سایر ذول حیا و کبر نشسته اند تربیت کنید...

نام غنی